



اداره کل تحصیلات تکمیلی
گروه تحصیلات تکمیلی حقوق
دانشگاه علم و فرهنگ

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق - خصوصی

موضوع:

تحلیل حقوقی شرکت‌های چند ملیتی و جایگاه آن‌ها در
سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

استاد راهنما:

دکتر عباس طوسی

استاد مشاور:

دکتر مرتضی شهبازی نیا

نگارنده:

علیرضا علاءالدینی

سال تحصیلی 90-1389

سورة الاحقاف

مراتب سپاس و قدردانی خود را نسبت به اساتید فرهیخته و دلسوز جناب آقای دکتر عباس طوسی و جناب آقای دکتر مرتضی شهبازی نیا، به خاطر راهنمایی های با ارزش و حمایت های بی دریغشان ابراز می دارم.

تقدیم به

پدر ، مادر و برادر

عزیزم

چکیده

نقش بی شائبه و پر اهمیت "سرمایه" و منابع مالی در پیشبرد هرگونه طرح توسعه ای، در کشور های در حال توسعه، "سرمایه گذاری مستقیم خارجی" را به یکی از مهمترین منابع تامین مالی در این کشورها تبدیل کرده است. در این میان، شرکت های چند ملیتی، با برتری بی بدیل اقتصادی خود، برخورداری از شبکه های پیچیده درون سازمانی، گستره فعالیت جهانی، مجهز بودن به فناوری روز، با اهداف سود آوری حداکثری، به اصلی ترین مهره های این عرصه بدل گردیده اند. لیکن علیرغم وجود چنین واقعیاتی در عرصه عمل، ادبیات حقوقی ملهم از تفکرات اندیشمندان و حقوق دانان کشورهای کمتر توسعه یافته، نشان از نوعی تردید در این جوامع نسبت به نقش سرمایه گذاری مستقیم خارجی و شرکت های چند ملیتی، در توسعه پایدار این کشورها دارد. چنین بی اعتمادی عمدتاً ناشی از تاریخ استعماری این کشورها و به دنبال آن ترویج تفکرات نولیبرالی و افراط گرایانه آزادی بازار، در دهه های اخیر، بوده است. در نوشتار پیش رو، با اشاراتی مختصر به اختلاف نظرات و زمینه های آن ها در این باب، سعی بر ارائه چهارچوبی توصیفی از سرمایه گذاری مستقیم خارجی، شرکت های چند ملیتی و تعامل حقوقی این دو مبحث جهت زمینه سازی آرایه بحث های ارشادی است. به منظور نیل به چنین مقصودی، سرمایه گذاری مستقیم خارجی و شرکت های چند ملیتی، به عنوان مفاهیمی مرتبط و هم بستر نگریسته شده اند. فلذا، سرمایه گذاری مستقیم خارجی به عنوان نهاد و چهارچوبه ای حقوقی و اقتصادی که بستر ساز فعالیت شرکت های چند ملیتی (به عنوان اصلی ترین بازیگر این میدان) می باشد، شناخته شده است. با چنین رویکرد جامعی، این پایان نامه، سعی در پوشش شایع ترین تاسیسات حقوقی مورد استفاده در ورود و استقرار سرمایه گذار مستقیم خارجی در حوزه های صلاحیتی حقوقی مختلف دارد. در این راستا، نگاهی تفصیلی به نظام حقوقی ایران که از بسیاری جهات شباهت هایی با گروه بزرگی از کشورهای در حال توسعه دارد، صورت گرفته است؛ کشورهایی که در عمل شاهد اثرات مثبت و منفی سرمایه گذاری مستقیم خارجی و حضور شرکت های چند ملیتی در کشورشان بوده اند. در عرصه انتزاعی بحثهای ارشادی، مطالعه وسیع سرمایه گذاری مستقیم خارجی و شرکت های چند ملیتی، در سطوح نظری و عملی پیشنهاد شده است. پس از آن اعمال استانداردهای مشخص به منظور ایجاد تعادلی منطقی میان بایسته های توسعه پایدار از یک سو و گسترش فضایی مناسب جهت جلب نظر سرمایه گذاران مستقیم خارجی از سوی دیگر آرایه گردیده است.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
1.....	مقدمه.....
8.....	فصل مقدماتی.....
8.....	مبحث اول: سرمایه گذاری خارجی.....
8.....	گفتار اول - کلیات.....
8.....	الف - معرفی سرمایه گذاری خارجی.....
10.....	ب- اهمیت سرمایه گذاری خارجی.....
11.....	گفتار دوم - تاریخچه سرمایه گذاری خارجی.....
11.....	الف- تاریخچه سرمایه گذاری خارجی در جهان.....
14.....	ب- تاریخچه سرمایه گذاری خارجی در ایران.....
15.....	مبحث دوم: شناخت شرکت های چند ملیتی.....
17.....	گفتار اول - معرفی شرکت های چند ملیتی.....
24.....	گفتار دوم - سیر تاریخی و رشد شرکت های چند ملیتی.....
30.....	بخش اول: بررسی ساختار و برخی قواعد حاکم بر شرکت های چند ملیتی.....
31.....	فصل اول- اقسام رایج شرکت های چند ملیتی.....
31.....	مبحث اول- اشکال شرکتی.....
31.....	گفتار اول - شرکت های چند ملیتی تحت مالکیت عمومی.....
33.....	گفتار دوم- اشخاص حقوقی سود.....
34.....	مبحث دوم - اشکال قراردادی.....
34.....	گفتار اول- موافقت نامه ها.....
36.....	گفتار دوم- جوینت ونچرها.....
39.....	الف- تعاریف جوینت ونچر.....
42.....	ب- سیر تاریخی جوینت ونچر.....
42.....	ج- مراحل ایجاد جوینت ونچر.....
42.....	1- تفاهم.....
43.....	2- تنظیم قول نامه.....
43.....	3- توافق نامه ی همکاری یا قرارداد اصلی.....

- د- ساختار، عناصر و انواع جوینت ونچرها.....44
- 1- ساختار حقوقی.....44
- 2- عناصر تشکیل دهنده.....45
- 3- انواع جوینت ونچرها.....46
- ه- انواع قراردادهای جوینت ونچر.....49
- 1- قرارداد اکتشاف نفت.....49
- 2- جوینت ونچر در امور بانکی.....50
- 3- جوینت ونچر در امور سرمایه گذاری.....50
- و- آثار تشکیل جوینت ونچر در سطح بین الملل.....51
- ز- علل تشکیل جوینت ونچر در سطح بین الملل.....53
- فصل دوم- برخی قواعد حاکم بر شرکت های چندملیتی.....54
- مبحث اول- مسئولیت اجتماعی شرکت های چند ملیتی.....54
- مبحث دوم- اسناد چند جانبه سرمایه گذاری خارجی.....62
- گفتار اول- قواعد بین المللی در خصوص شرکت های چند ملیتی.....64
- گفتار دوم- پیش نویس آئین نامه کمیسیون شرکت های فرا ملیتی ملل متحد در خصوص شرکت های چند ملیتی.....66
- بخش دوم: بررسی حقوقی سرمایه گذاری خارجی شرکت های چند ملیتی در ایران.....71**
- فصل اول- قواعد حاکم بر ورود شرکت های چند ملیتی در ایران.....72
- مبحث اول- بررسی اصل 81 قانون اساسی.....73
- گفتار اول- سیر تحولی اصل 81 قانون اساسی.....73
- گفتار دوم- تفاسیر ارائه شده از اصل 81 قانون اساسی.....77
- مبحث دوم- طرق ممکن ورود و فعالیت شرکت های چند ملیتی در ایران.....82
- گفتار اول- از طریق سازمان سرمایه گذاری و کمک های اقتصادی و فنی ایران.....82

85.....	گفتار دوم- از طریق اداره ثبت شرکت ها و مالکیت صنعتی
88.....	فصل دوم- راهکارهای پیشنهادی در جهت جذب سرمایه خارجی
98.....	نتیجه
102.....	منابع

1- بیان مسئله و هدف از طرح موضوع

بررسی تطبیقی بحث شرکت های چند ملیتی در سلسله مباحث سرمایه گذاری مستقیم خارجی در حقوق بین الملل و حقوق کشورمان هدف نگارنده از نگارش این پایان نامه است. همانطور که هر کدام از کلمات و مفاهیم جمله پیشین عیان می سازند، نیل به چنین مقصدی به صورت جامع و همه جانبه از توان پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد خارج است. نه تنها پوشش چنین وسعتی، سالها تحقیق و تفحص در متون مختلف و رویه قضایی را طلب می کند، بلکه پیچیدگی های مباحث ماهوی مربوطه در حوزه های سرمایه گذاری خارجی از یک سو و شرکت های چندملیتی از سوی دیگر، منجر به گسترده شدن هر چه بیشتر فضای پژوهشی از این دست می گردد. بعلاوه، جنبه های منحصر به فرد موضوعات اصلی در این عرصه، زمینه رجوع وعاریه گرفتن از رشته های دیگری چون اقتصاد سیاسی و توسعه ای، مطالعات توسعه پایدار و ... را به صورتی فزاینده الزامی می نماید.

لاجرم در طرح موضوع و بسط مباحث، قیودی خاص جهت تضییق دامنه و مصادیق موضوع اختیار گردیده اند. براساس عادت مالوف در انشای مبحث مقدماتی و نیز به جهت روشن نمودن مشی این پژوهش، در ارائه مطالب و به کارگیری قیود و شیوه تحقیق، ذکر پاره ای نکات در سطور آتی لازم به نظر می رسد.

تاکنون عناوین متعدد و مفاهیم گوناگونی، جهت اشاره به فعالیتهای اقتصادی بخش خصوصی در عرصه بین الملل ارائه گردیده است. در حالیکه گروهی از پژوهشگران، عنوان "شرکت های چندملیتی" را مناسب ترین واژه برای شرکت های عظیمی که اقدام به فعالیت تجاری خارج از قلمرو کشور خود می نمایند، می دانند؛ گروهی دیگر از اصحاب نظر در این عرصه عنوان شرکت های "فراملی" و حتی "جهانی" را جهت اشاره به چنین ماهیتی مساعد تر می دانند. در جایی که بسیاری از اندیشمندان، الفاظ اقتصاد و یا تجارت "بین الملل" را بستر اصلی بررسی شرکت های چند ملیتی می دانند، بسیاری دیگر عناوین اقتصاد و تجارت "جهانی" را دقیق تر پنداشته اند. ریشه چنین اختلافاتی را باید فراتر از سلیقه افراد مختلف در جعل لغت و اصطلاح در این باب دانست، چرا که بحث های ارائه شده در دفاع و یا رد هر کدام از عناوین یاد شده، چهره ای کاملا ماهوی داشته تا حدی که نتیجه ای کاملا مستقیم در نحوه درک و رویکرد ما از این شرکت ها خواهد داشت.

آنانکه معتقد به تاکید بر بحث ملیت شرکت ها هستند، تعاریفی با سببه تاریخی را برگزیده اند. چرا که اساسا در تمامی ازمنه، تجارت فراتر از مرزهای یک کشور واحد، به تجارت بین الملل تعبیر گشته است. به بیان دیگر، چه در زمان ایران باستان و چه در زمان معاصر، تجارت ایران با دیگر کشورها، اعم از مصر باستان و یا روم قدیم از طرفی و یا چین نوین از طرفی دیگر، را باید

تجارت بین الملل دانست. فلذا تکیه بر ملیت شرکت ها برای تمییز ماهیت آنها امری جدید به نظر نمی رسد.

در مقابل، هنگامی که در ادبیات حقوقی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی معاصر سخن از "جهانی شدن" اقتصاد و تجارت به میان می آید، مقصود امری نوین و نوظهور است که بواسطه پیشرفت های محیرالعقول بشر معاصر، در زمینه فن آوری ارتباطات و اطلاعات، حاصل گردیده است. در چنین فضایی، شرکت های فراملی، شرکت هایی هستند که حوزه فعالیت و ساختار شبکه ای آنها، در آن واحد، از تمامی مرزهای جغرافیایی فراتر رفته و به ناچار، مفهومی جدید برای زمان و مکان تعریف نموده اند. شرکت هایی که حتی برای ارائه ساده ترین خدمات خود از توان شبکه ای بسیار کارآمد خود بهره جسته و سعی در تقلیل هزینه ها و افزایش بهره وری تا حد امکان با استفاده از تفاوت های سرزمینی دارند.

به عنوان مثال، شبکه پیچیده و سامان یافته برخی شرکت های غربی به نحوی طراحی شده، تا بتواند از کوچکترین امکانات بالقوه در بسیاری از کشورهای در حال توسعه با تفویض اختیارات و تخصیص امکانات بهره گیرد. بنابراین به کمک شبکه های ارتباطی از راه دور و یا فضای مجازی، این شرکت ها، حتی جهت ارائه بسیاری از خدمات داخلی، از توان متخصصین و امکانات خود در نقاط مختلف دنیا استفاده می نمایند.

در چنین شرایطی، اساسا شرکت "چند ملیتی" و یا "فراملی"، به واقعیتی بیش از تجارت بین دو یا چند شرکت با تابعیت های مختلف و در حوزه های مختلف اشاره دارد. از این منظر، سخن از این دست شرکت ها، به ماهیتی پیچیده نظر دارد، که معلول نگرش جدید به اقتصاد، تجارت و کارآفرینی است؛ نگرشی نوظهور، که به بازارهای یکپارچه و بدون محدودیت های سنتی سرمایه گذاری و تجارت معتقد است.

اگر اختیار هر کدام از مکاتب فکری پیشین (پس از درک و هضم تمامی پیچیدگی های آنان)، امری شدنی به نظر رسد، ورود به بحث سرمایه گذاری مستقیم خارجی هرگونه تعبیر و تفسیر ساده انگارانه را با چالش های اساسی روبرو می سازد. بدین اعتبار که چنین قسم از سرمایه گذاری، بر اساس طبیعت خاص خود، در ایجاد روابط نسبتا بلند مدت حقوقی، اقتصادی، و تجاری میان سرمایه گذار خارجی و کشور میزبان، بسیاری از مسائل را به دنبال می آورد که ریشه هایی عمیق در تاریخ، سیاست، و فرهنگ هر یک از طرفین چنین روابطی دارد. روابط پیچیده درون سازمانی سرمایه گذار خارجی، در پرتو قوانین دولت متبوع خود و در کنار تبعات حقوقی و اقتصادی ناشی از ورود به حوزه صلاحیتی دولت میزبان سرمایه گذاری (که ممکن است اساسا هیچ شباهتی از لحاظ حقوقی، سیاسی، اقتصادی با کشور متبوع سرمایه گذار نداشته باشد)، آثار و عواقبی را به دنبال دارد که منجر به ایجاد حساسیت های شدید در روابط حقوقی فی مابین، در زمانی طولانی می شود.

بعنوان مثال، در ابتدایی ترین حالت و بر فرض سلامت اداری دولت ها در رعایت حقوق و مصالح شهروندان خود، ممکن است منافع ومصالح هر یک از طرفین سرمایه گذاری در جهات متفاوت از دیگری قرار داشته باشند. در حالی که سرمایه گذاری خارجی در صنایع تولیدی، به دنبال تقلیل هرچه بیشتر هزینه تمام شده کالای مصرفی خود، با استفاده از نیروی کار ارزان کشورهای در حال توسعه، کم توجهی به آلاینده های زیست محیطی و با قوانین مالیاتی بسیار پیش پا افتاده است، کشور میزبان در پی اشتغال زایی گسترده، از طریق سرمایه گذاری خارجی، بومی کردن فن آوری های نوین، بهره برداری های مالی از عواید سرمایه گذاری خارجی از طریق جمع آوری مالیات، تحمیل تعرفه های مختلف و یا هزینه های اداری است. هنگامیکه سرمایه گذار خارجی درصدد سودآوری هرچه بیشتر از طریق اعمال همه جانبه حقوق انحصاری مالکیت فکری خود می باشد، اساسا تضادی عمیق در انتقال فن آوری و آموزش نیروی کار محلی با منافع خود، تا پیش از اتمام دوره حمایت از چنین حقوق و امتیازاتش، می بیند.

2- سابقه تاریخی

بحث های مرتبط نظری و عملی (در سطح خرد یا کلان)، نگاهی گذرا به سیر تحولات سیاسی و اقتصادی جوامع در حال توسعه و یا توسعه یافته در نیمه دوم قرن بیستم، ریشه های اصلی تفکرات معاصر نسبت به مقوله سرمایه گذاری خارجی را توجیه می نماید. طرح آمریکایی مارشال برای بازسازی اروپای غربی ویران شده در جنگ جهانی دوم، اعلام استقلال بسیاری از کشورهای آفریقایی، آسیایی و آمریکای لاتین، به همراه تغییرات ماهوی و ساختاری سیاسی و اقتصادی کشورهای همچون چین و هندوستان، موج خاصی از گرایش مثبت و منفی را نسبت به سرمایه گذاری مستقیم خارجی برانگیخت.

ملت ها و دول تازه استقلال یافته، با روحیات انقلابی موجود در آن دوران، سرمایه گذاری مستقیم خارجی را، حربه ای جدید، جهت ورود مجدد کشورهای استعماری به خاک خود و وسیله ای نامشروع برای به یغما بردن منابع خود، می دیدند. در طرف دیگر، کشورهای سرمایه فرست، نیازی وافر به استفاده از پتانسیل های موجود اقتصادی، خارج از مرزهای جغرافیایی خود، به منظور سامان دهی مجدد اقتصادهای آسیب دیده و یا راکدشان، داشتند. نکته قابل توجه آنکه، صرفنظر از احساسات انقلابی و شعارهای مردمی، کشورهای تازه استقلال یافته، با اقتصادهای وابسته و بسیار شکننده، عملا چاره ای جز فراهم آوری وسیع سرمایه از بازارهای موجود خارجی نداشتند. بعنوان نمونه، کشورهای فقیر آفریقایی، حتی با داشتن منابع طبیعی بسیار غنی فلزات و سنگهای قیمتی، توان اقتصادی و یا فن آوری مورد نیاز استخراج این معادن را دارا نبوده و عرصه را تا به حدی تنگ می دیدند، که ناچار از سر نهادن به پذیرش ورود سرمایه گذار مستقیم خارجی بودند. تمکین به چنین امری با امید به استخدام نیروی کار داخلی، انتقال فن آوری و ایجاد ارزش افزوده اقتصادی صورت می گرفت.

در عین حال باید افزود که احساسات ضد استعماری و انقلاب های استقلال طلبانه، منجر به ملی شدن بسیاری از صنایع و سرمایه های سرمایه گذاران خارجی، که تا پیش از وقوع انقلاب به فعالیت اقتصادی در آن کشورها اشتغال داشتند، شده بود. از این رو، نه تنها سرمایه گذاران خارجی رقبتی به سرمایه گذاری مجدد در چنین شرایط و احوالی نداشتند، بلکه در دادگاه ها و دیوان های متعدد داخلی و یا بین المللی، درصدد باز پس گیری اموال مصادره شده خود، بودند. همچنین نا آرامی های سیاسی آن دوران و روی کار آمدن حکومت های ملی گرا، تاثیری مستقیم و عمیق بر افزایش هزینه های سیاسی و حقوقی سرمایه گذاری مستقیم خارجی گذارده بود، که این امر ضرورت اعطای تضمین های سنگین و جدی، جهت تامین امنیت سرمایه های این سرمایه گذاران را ایجاب می نمود.

بی شک چنین فضایی برای اصحاب قلم و عمل ایرانی، بسیار آشنا می نماید. پیروزی انقلاب اسلامی در سال 1357، زمینه را جهت ملی نمودن صنایع مادر و نیز صادرات وسیع اموال بیگانگان و وابستگان آنها فراهم نمود. روحیات ملی گرایانه و انقلابی آن زمان، در کنار آرمان های انقلابی استقلال اقتصادی ایران از یوغ غارت بیگانگان، دولت نوپای ایران را طرف بسیاری از دعاوی و محاکمات حقوقی و یا کیفری در دادگاه های متعدد قرار داد، که سر انجام در بحث های مرتبط با شرکت های آمریکایی و یا ایرانیان آمریکایی تبار، منجر به انعقاد معاهدات 1981 الجزایر و رسیدگی های متعاقب دیوان دعاوی ایران و آمریکا گردید.

در این باب، قانون اساسی جمهوری اسلامی و برخی قوانین موضوعه، خط مشی حقوقی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران را در قبال ورود و سرمایه گذاری خارجیان به صراحت تعیین نموده بودند. اما همچون دیگر کشورهایی که به نحوی با شرایط مشابه انقلابی دست به گریبان بودند، کشور ما نیز نیازی فاحش به سرمایه گذاریهای خارجی داشت. این نیاز با آغاز جنگ تحمیلی و ایجاد ویرانی های وسیع ناشی از جنگ، تحریم های متعدد سیاسی و اقتصادی (یک یا چند جانبه) کشورهای قدرتمند اقتصادی و سازمان ملل متحد، و پایان جنگ و دوران سازندگی و باز سازی ایران بیش از هر زمان دیگر رخ می نمود.

3- فرضیات

ارائه هرگونه تحلیلی کارشناسانه از این دست مسائل نیازمند بررسی و موشکافی پدیده هایی است که به موازات این تغییرات و با سرعتی سرسام آور در حال شکل گیری بودند. از جمله مهمترین آنها روند جهانی شدن اقتصاد (به معنای امروزه خود)، شکل گیری و سربرافراشتن قدرتهای خصوصی اقتصادی بود، که در بسیاری از موارد از حجم نقدینگی و توان اقتصادی بسیار بالاتر از برخی کشورها برخوردار بودند. این دسته از شرکت های خصوصی، به منظور حداکثر نمودن منافع اقتصادی و مالی خود، بهره برداری موثر از قواعد حقوقی حوزه های صلاحیتی دول مختلف، گردش حداکثری سرمایه به منظور تقلیل مالیات آن در دول متبوع خود والنهاییه، به منظور ایجاد روابط موثرتر اقتصادی و حقوقی با اشخاص حقیقی و حقوقی ذی

نفوذ در دول میزبان، از راه ادغام آنها در شرکت های خود و یا شراکت در پروژه های آنها، سعی در افزایش توان خود برای فعالیت های اقتصادی گسترده تر داشتند.

همانگونه که از ظاهر این مباحث بر می آید، موضوع سرمایه گذاری خارجی و شرکت های چند ملیتی در عرصه نظر، دو مقوله جدا از هم هستند که تنها رابطه عموم و خصوص من وجه آنها باعث ایجاد علقه حقوقی میان آن دو می باشد. اما مذاقه در واقعیت های موجود عملی این حوزه، مبین در هم تنیدگی غیر قابل انکار سرمایه گذاری مستقیم خارجی با بحث شرکت های چند ملیتی است. این شرکت ها با سرمایه های عظیم اقتصادی، توان و مکانیسم فکری قوی و برخوردار از جایگاه ویژه در بازارهای سرمایه، اصلی ترین مهره های سرمایه گذاری مستقیم خارجی به حساب می آیند. فلذا هرگونه کاوش علمی در باب سرمایه گذاری مستقیم خارجی که نظری به بحث های عملی نیز داشته باشد، باید جایگاه حقوقی و نقش شرکت های چند ملیتی را مورد بررسی دقیق قرار دهد.

4- تقسیم بندی مطالب

بر این اساس در فصل مقدماتی پایان نامه پیش رو به بحث های ویژه و ساختارهای سرمایه گذاری مستقیم خارجی پرداخته شده است. در این قسمت ضمن ارائه تعاریف کلیدی از مفاهیم اساسی موجود در باب سرمایه گذاری خارجی، برای مشخص تر کردن چهارچوبه بحث، به سیر تاریخی سرمایه گذاری خارجی در ایران و سپس به شناخت و معرفی شرکت های چند ملیتی پرداخته شده است. این قسمت با بررسی نهایی بحث های مرتبط با رشد و تکامل شرکت های چند ملیتی به پایان رسیده تا زمینه ورود مفصل به بحث شرکت های چند ملیتی در بخش اول فراهم گردد. در این بخش ذیل فصل اول، پیش از هر چیز به بحث پیرامون اشکال و ساختار شرکت های چند ملیتی پرداخته، تا زمینه کلی تمرکز بر این شرکت ها فراهم آید. از آنجا که جوینت ونچرها در سراسر دنیا، و نیز در کشور ما، از شایع ترین اقسام شرکت های چند ملیتی به حساب می آیند، بیشترین تلاش مصروف معرفی هر چه دقیقتر و جزئی تر آنها گردیده است. در فصل بعدی، به بررسی و جستجوی پاره ای از اصول حاکم، در زمینه الزامات و مسئولیت های شرکت های چند ملیتی در عرصه جهانی اشاره می گردد. بدین اعتبار که بحث های نوظهوری چون مسئولیت های اجتماعی شرکت ها، در کنار قواعد ارشادی و اصول پیشنهادی برخی نهادهای فراملی که نقشی تعیین کننده در رفتار و نحوه عمل چنین شرکت هایی دارند مطرح می گردد. هدف کلی در این قسمت بیش از هر چیز، بیان نوع انتظارات و دامنه توقعات حقوقی و اجتماعی از شرکت های چند ملیتی است که بنابر ماهیت پیچیده خود و با توجه به حوزه نفوذ فراملی آنها، در بسیار از موارد دغدغه های اساسی برای اجتماعات میزبان فراهم ساخته اند. همانگونه که در فرازهای مختلف این پایان نامه اشاره خواهد شد، سابقه منفی چنین شرکت هایی در سو استفاده های وسیع مالی و موقعیتی از فساد اداری کشورهای میزبان

در قالب های مختلف نظیر پرداخت رشوه، ترتیب مناقصه های صوری، فرارهای مالیاتی، آلوده سازی محیط زیست و ...، باعث ایجاد نگرشی نه چندان مساعد، به ورود و فعالیت این شرکت ها به عنوان سرمایه گذاران خارجی در خاک کشور میزبان گشته است.

مضافاً اینکه ظهور و فراگیر تر شدن بی سابقه پدیده هایی چون "مصرف کننده اخلاق گرا"¹ باعث ایجاد تغییرات اساسی در اهرم های فشار جهت ملتزم نمودن این شرکت ها به حقوق بشری و حمایت های محیط زیستی، در بهره برداری از منابع طبیعی و یا کاهش آلاینده های محیطی، گردیده است. هرچند که پرداختن مفصل به هرکدام از این موارد، می تواند به نوبه خود موضوع پژوهشی جداگانه قرار گیرد، نگارنده بر آن بوده است تا به ارائه تصویری اجمالی از اسناد و اصولی که منجر به شکل گیری الزامات مستقیم و غیر مستقیم بر این شرکت ها گردیده است، اکتفا نموده و از هر گونه ورود به مباحث ماهیتی که به منزله دور شدن از موضوع خاص پژوهش پیش رو است اجتناب ورزد.

نهایتاً در بخش دوم، موضوع حضور و چهارچوبی در ورود شرکت های چند ملیتی در امر سرمایه گذاری مستقیم خارجی در کشورمان مطرح می گردد. در این بخش با رجوع به قانون اساسی، به موازات بیان شرایط تاریخی حاکم، مشی عمومی قانونگذار ایرانی در باب سرمایه گذاری خارجی در اقتصاد ایران بررسی می شود. از آنجا که شرایط حاکم پس از پیروزی انقلاب اسلامی ضرورت هایی را ایجاد می نمود، که شاید تا حد زیادی (یا اساساً) در زمان تدوین قانون اساسی غیر قابل تصور بودند و یا اینکه جایگاه قانون اساسی در بین کلیات و مبانی چهارچوبه حقوق موضوعه، اجازه ورود به مباحث خرد را سلب می کرد، بسیاری از سولات اساسی در باب سرمایه گذاری مستقیم خارجی و ورود شرکت های چند ملیتی به مرور زمان مطرح گردید. راهکارهایی که مفسرین قانون اساسی در چنین زمینه ای ارائه نموده اند، همراه با تقنین قواعد اختصاصی تر در این موارد، سرانجام منجر به شکل گیری نظام حقوقی حاکم بر سرمایه گذاری مستقیم خارجی و شرکت های چند ملیتی در کشور ایران گشته است. علیرغم اینکه نمی توان دلایل جلب نظر سرمایه گذاران و جذب سرمایه های خارجی را تنها محدود به حقوق موضوعه و نظام حقوقی یک سرزمین دانست، بدون شک سیستم حقوقی حاکم نقشی بسیار تعیین کننده در این امر عهده دار است.

ثبات نظام حقوقی، ضمانت اجرای قوی نهادینه شدن حکومت قانون، برخورداری از قوانین به روز شده و همسو با تحولات جدید، سلامت نظام اداری و ... از جمله مهمترین موارد جذب سرمایه گذاری خارجی به حساب می آیند.

بدیهی به نظر می رسد که هرگونه پیشرفت و حصول نتیجه ای در برنامه های توسعه اقتصادی ایران اسلامی در پرتو سند چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران، نیازمند سرمایه گذاری های بسیار سنگین در امور زیربنایی، بخش نفت و گاز و نیز تولیدات غیرنفتی می باشد.

¹ Ethical consumer

حجم چنین سرمایه گذاری هایی در مقایسه با سرمایه های در گردش موجود در داخل کشور بسیار بالاتر بوده و این نتیجه را به ذهن متبادر می سازد که یا باید از اهداف مطروحه در این اسناد دست کشید و یا چاره ای جز جذب سرمایه های خارجی برای نیل به این اهداف به نظر نمی رسد. از اینرو، مطالعه موضوعات مرتبط با سرمایه گذاری مستقیم خارجی که عمدتاً از طریق شرکت های چند ملیتی صورت می پذیرند، از اهمیتی درخور توجه برخوردار است. امید است تا تحقیق پیش رو بتواند گامی هرچند کوتاه در این طریق به حساب آید.

فصل مقدماتی

مبحث اول - سرمایه گذاری خارجی

اهمیت سرمایه گذاری خارجی و نقش آن در تسریع رشد و بالندگی اقتصادی هر کشور به شرط رعایت مصالح اقتصادی، حقوقی و امنیتی، بر صاحب نظران پوشیده نیست. از اینرو در این قسمت سعی در معرفی و بحث پیرامون سرمایه گذاری خارجی، اهمیت و سیر تاریخی آن می نماییم.

گفتار اول - کلیات :

در این قسمت بر آنیم تا ابتداً به ارائه تعاریف و تقسیم بندی هایی، ذیل بحث سرمایه گذاری خارجی نموده و در ادامه به ارائه توضیحاتی در باب اهمیت سرمایه گذاری خارجی بپردازیم.

الف - معرفی سرمایه گذاری خارجی

سرمایه: سرمایه را در معنای وسیع آن می توان، کالایی اقتصادی دانست که بالفعل و یا بالقوه مولد کالای اقتصادی دیگر باشد، این سرمایه شامل انواع مال و دارایی های مشهود و غیر مشهود می باشد. قانون راجع به جلب و حمایت سرمایه های خارجی (مصوب 1334)، سرمایه

های خارجی را به صورت نقد، کارخانه، ماشین آلات و قطعات آنها، ابزار، حق الاختراع و خدمات تخصصی و امثال آنها مطرح می نماید.¹

در ترمینولوژی حقوق ذیل لغت سرمایه چنین آمده است: "مالی که تاجر و کاسب (به معنی عام) وسیله کار و اعاشه قرار دهد و ممکن است جنبه معنوی یا مادی داشته باشد..."²

سرمایه گذاری: از لفظ سرمایه گذاری در ابواب گوناگون اقتصاد و تجارت تعاریف متعددی ارائه گردیده است. سرمایه گذاری را می توان قرار دادن و جریان مال در زمینه ای خاص به منظور کسب در آمد و سود دانست. به طور دقیق تر، سرمایه گذاری به جریان مخارج اختصاص یافته به طرح های تولید کالاهایی که قصد مصرف فوری آن ها در میان نباشد، اطلاق می گردد که این طرح ها ممکن است به شکل افزایش سرمایه مادی و سرمایه انسانی یا موجودی انبار باشد.

در باب سرمایه گذاری بعضاً تعاریف ساده و کوتاهی نیز طرح گردیده است: "تخصیص اعتبار و مصرف آن برای هدف های معین و مخصوص"³.

در یک تقسیم بندی کلی، سرمایه گذاری را می توان به دو بخش داخلی و خارجی منقسم دانست. همانطور که از ظاهر این الفاظ مشخص است، سرمایه گذاری داخلی، سرمایه گذاری آورنده سرمایه در داخل کشور متبوعش بوده و سرمایه گذاری این شخص در خارج از قلمرو کشورش، سرمایه گذاری خارجی به حساب می آید.

با عنایت به موضوع نوشتار پیش رو، بحث از شرکت های چند ملیتی (به دلیل ویژگی چند ملیتی بودن این شرکت ها) منصرف از سرمایه گذاری داخلی بوده و ذیل سرمایه گذاری خارجی صورت می پذیرد.

سرمایه گذاری خارجی در واقع شامل انتقال دارایی، سرمایه مادی⁴ و یا غیر مادی⁵ از کشوری به کشور دیگر به منظور به کارگیری آن ها در آن کشور برای تولید ثروت، تحت کنترل صاحب سرمایه (کلا و جزاً)، می باشد.

¹ قانون راجع به جلب و حمایت سرمایه های خارجی، مصوب 7 آذر ماه 1334، ماده 1.

² جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ یازدهم، انتشارات گنج دانش، 1380، صفحه 357.

³ تبصره 1 ماده 2 لایحه قانونی برنامه عمرانی پنجساله سوم کشور، 1341/6/18.

⁴Tangible

⁵Intangible

چنین سرمایه گذاری یا به صورت خرید سهام، اوراق قرضه و ابزارهای دیگری از بازار پول توسط خارجیان، بدون دخالت در مدیریت یا اعمال کنترل های قانونی صورت می پذیرد که اصطلاحاً به آن سرمایه گذاری غیر مستقیم خارجی (سرمایه گذاری خارجی پورتفولیو)¹ اطلاق می گردد و یا به صورت سرمایه گذاری به منظور کسب منافع و اختیارات مدیریت پایدار (10 در صد یا بیشتر سهام رأی گیری) موضوع سرمایه گذاری می باشد که "سرمایه گذاری مستقیم خارجی"² نام دارد. لازم به ذکر است که سرمایه گذاری مستقیم خارجی نیز ممکن است به صورت سهام، اوراق قرضه و امثال آن ها باشد لیکن تمایز اصلی این نوع از سرمایه گذاری با سرمایه گذاری خارجی پورتفولیو اساساً در کنترل و مدیریت (مستقیم) است، در واقع سرمایه گذاری مستقیم خارجی و مدیریت با یکدیگر همراهند، حال آنکه در سرمایه گذاری غیر مستقیم خارجی (پورتفولیو) چنین نمی باشد.³

سرمایه گذاری مستقیم خارجی ممکن است توسط اشخاص مختلفی صورت پذیرد (از اشخاص حقیقی منفرد گرفته تا شرکت های معظم دولتی). لیکن در حال حاضر شاید بتوان شرکت های چند ملیتی را به واسطه قدرت و توان اقتصادی بسیار بالا، در بحث سرمایه گذاری مستقیم خارجی بسیار مهم و تاثیر گذار دانست، چرا که این شرکت ها در مقایسه با سایر اشخاص حقیقی و حقوقی توان اقتصادی بیشتری داشته و در مقایسه با شرکت های دولتی، از انگیزه هایی بسیار فراتر برخوردار می باشند.

ب- اهمیت سرمایه گذاری خارجی:

با کمی تامل در مناسبات امروزی اقتصاد جهانی، تقویت توانمندی کشورها برای حضور در بازارهای رقابتی بین المللی، به منظور بهره برداری بهینه از شرایط اقتصادی حاکم، اجتناب ناپذیر به نظر می رسد. بدون شک، در صورت مساعد بودن شرایط، سرمایه گذاری مستقیم خارجی می تواند در رسیدن به این هدف کمک شایانی نماید.

مهمترین نقش سرمایه گذاری مستقیم خارجی را می توان ورود سرمایه، مهارت و فن آوری به کشورهای میزبان دانست. این امر نه تنها در مورد بخش های امروزی اقتصاد مانند بحث فن آوری اطلاعات، بلکه در بخش های پیشین مانند خدمات زیر ساختی و گردشگری نیز مصداق دارد. علاوه بر این، سرمایه گذاری خارجی می تواند کشورهای در حال توسعه را به زنجیره

¹FPI: Foreign Portfolio Investment

²FDI: Foreign Direct Investment

³ هادی زنوز، بهروز، سرمایه گذاری خارجی، نشر فرزاد، چاپ اول، 1379، ص 17.

اقتصاد و تجارت جهانی در بخش های گوناگون وصل نماید. چنین زنجیره ای عملاً به کشورها امکان ورود و اثربخشی در بازارهای رقابتی بین المللی را می دهد.¹

با توجه به اینکه سرمایه گذاری مستقیم خارجی به معنی گره خوردن منافع شرکت های چند ملیتی سرمایه گذار با امنیت و ثبات کشور میزبان می باشد، تردیدی نیست که این شرکت ها همواره خواستار آرامش و امنیت آن کشور بوده و بواسطه نفوذ سیاسی که در هیات حاکمه کشور های قدرتمند جهان دارند، در صورت بروز بحرانهای داخلی و منطقه ای پیرامون حوزه سرمایه گذاری خود تمام تلاش سیاسی را در جهت حل بحران به کار می بندند و به طور کلی سعی در عدم مداخله در امور داخلی و ایجاد تنش داشته و در سیاست گذاری ها و اقداماتشان تمام تلاششان را مصروف ایجاد و حفظ ثبات در منطقه می دارند.

بنابراین علاوه بر اینکه سرمایه گذاری مستقیم خارجی موجب رشد اقتصادی و در نتیجه رفع مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم می شود، به گونه ای در ایجاد آرامش و ثبات کشور میزبان نیز موثر است، چرا که ذی نفع بودن شرکت های خصوصی یا دولتی خارجی در ایجاد امنیت و ثبات حوزه سرمایه گذاریشان موجب می گردد که در حل بحران ها و برقراری ثبات دخالت مستقیم و یا غیر مستقیم نمایند.^{2 3}

گفتار دوم - تاریخچه سرمایه گذاری خارجی:

به منظور ایجاد شناخت هر چه بیشتر و معرفی عمیق تر سرمایه گذاری خارجی، در گفتار پیش رو، به بیان تاریخچه ای از این نوع سرمایه گذاری در جهان و نیز تاریخچه و روند آن در ایران پرداخته شده است.

¹ اقبال طالقانی، حسین، رونق سرمایه گذاری مستقیم خارجی، چکیده گزارش 2004 سرمایه گذاری خارجی (UNCTAD)، فصلنامه اقتصاد سیاسی، شماره ششم، صفحه 192.

² علیدوستی، ناصر، جنبه های حقوقی - امنیتی سرمایه گذاری خارجی در ایران، نشر پژوهشکده مطالعات راهبری، 1384، صفحه 4.

³ لازم به ذکر است که بحث پیرامون مثبت و یا منفی دانستن ماهیت سرمایه گذاری مستقیم خارجی و به طور خاص فعالیت (فرامرزی) شرکت ها و بنگاه های تجاری و آثار آن بر کشورهای میزبان، امری مطلق نبوده و در این باب اتفاق نظری حاصل نگردیده و نگارنده صرفاً سعی در طرح عقاید گوناگون مطروحه در منابع مختلف موجود داشته و از موضع گیری و جانبداری خاص یک طرف پرهیز نموده است.

الف - تاریخچه سرمایه گذاری خارجی در جهان

از اواخر سده نوزدهم میلادی، سرمایه گذاری خارجی نقشی مهم در اقتصاد جهانی ایفا کرده است. در دوره قبل از سال 1914، انتقال سرمایه با جابه جایی عظیم جمعیتی در خارج از اروپا همراه بود. بخش اعظم سرمایه گذاری به صورت بهره ثابت و سرمایه گذاری در پورتفولیو بود. در آن زمان بریتانیا مهمترین کشور اعتبار دهنده جهان به شمار می رفت و در سال 1914 نزدیک به نیمی از سرمایه بین المللی به این کشور تعلق داشت.

وقوع جنگ جهانی اول و پیامدهای آن، تاثیر چشمگیری بر ثروت اروپا داشت و به واسطه بدهی های ناشی از جنگ و نیز هزینه های بازسازی، تا سال 1920، اروپا از یک اعتبار دهنده به یک بدهکار تبدیل گردید. در نیمه دوم دهه 1930 دوره بحرانی سرمایه گذاری خارجی رخ داد. رکود اقتصادی در ایالات متحده (1929-1933) و به دنبال آن در اروپا، موجب بروز میل و علاقه به خود کفایی در اقتصاد ملی و ایجاد اشتغال در اقتصاد داخلی کشورهای دیگر شد. در این شرایط تنزیل ارزش پول ملی، کنترل ارز، ایجاد موانع تعرفه ای و سهمیه بندی بازارها موجب کاهش سرمایه گذاری خارجی شد. این دوره با جنگ جهانی دوم به پایان رسید و در نتیجه آن غالب کشورهای اروپای غربی بدهکار شدند.

در سال های بعد از جنگ جهانی دوم تحولی عظیم در فضای سرمایه گذاری ایجاد گردید. ایالات متحده آمریکا، تحت عنوان "طرح مارشال"¹، اقدام به صدور و انتقال سطح عظیمی از سرمایه به اروپا نمود تا از این طریق بتواند به بازسازی مناطق آسیب دیده پرداخته و همچنین اقتصاد لطمه خورده اروپا را ترمیم نموده و سامان بخشد. این طرح در واقع نوعی سرمایه گذاری بلند مدت از جانب ایالات متحده بود، که عملاً موجب بازسازی مطلوب برای محصولات آمریکایی می شد و در نهایت، از گسترش کمونیسزم در سطح اروپا جلوگیری می نمود.² بین سالهای 1951-1964 حدود 90 درصد کل سرمایه خصوصی، شکل سرمایه گذاری مستقیم خارجی به خود گرفت. توسعه سرمایه گذاری مستقیم خارجی تا دهه 1970 نیز تداوم یافت. بحران اقتصادی دهه 1970 در آمریکا و اغلب کشورهای غربی، به رونق اقتصادی پس از جنگ جهانی دوم پایان بخشید و به علاوه جنگ ویتنام، عملاً ایالات متحده را تحت فشار اقتصادی مضاعف قرار می داد. در این دهه شرایط اقتصادی در سطح جهان تغییر کرد. تداوم رکود اقتصادی تاثیراتی را بر شرکت های چند ملیتی بر جای گذاشت و در نتیجه کشورهای میزبان

¹Marshall Plan

²DeConde, Alexander, Encyclopedia of American foreign policy, Volum 2, 2nd ed, 2002, p.95.